

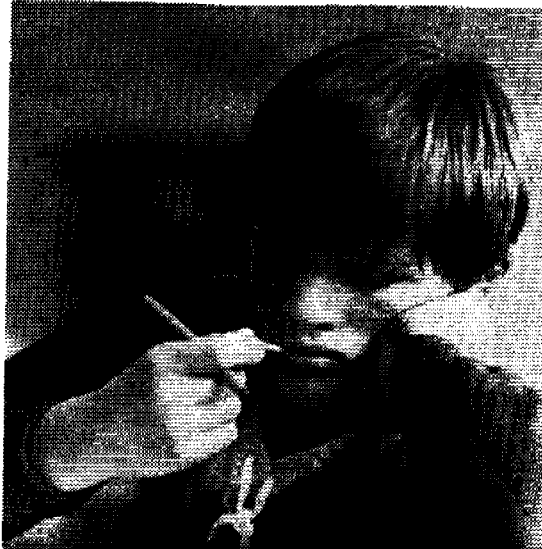
چرا بعضی از بچه‌ها درس نمی‌خوانند؟



مدتی است که در آموزشگاههای اروپا و امریکا، مربیان شکایت از این دارند که دانش‌آموزان هوش و استعداد فراگرفتن دروس را از دست داده‌اند و در ساعات درس کمتر بطلب معلم توجه دارند، حتی عده‌ای از معلمان با سابقه اروپائی عقیده دارند که حافظه و هوش دانش‌آموزان کنونی نسبت به دانش‌آموزان سالهای قبل کمتر شده است و مطالبی را که سابقاً محصلین در مدت پنج دقیقه حفظ میکردند اینک باید در دو برابر اینمدت فراگیرند!

این مسئله که از هر نظر جالب توجه و تعمق‌بشار میرفت مورد بررسی کارشناسان علوم تربیتی اروپا قرار گرفت و کمیته مخصوصی مامور تحقیق از چگونگی علت این امر شد.

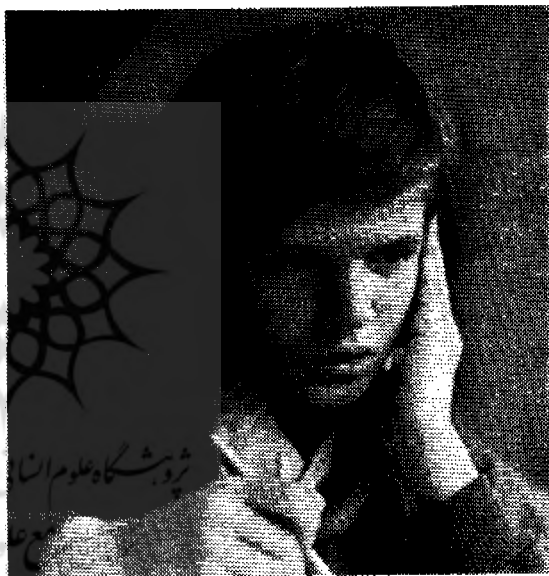
اعضای کمیته پس از مطالعات زیادی که در این مورد کردند، باین نتیجه رسیدند که علت اصلی کم شدن حافظه و کاهش سرعت فراگرفتن دانش‌آموزان، عدم تمرکز فکری آنهاست و در حقیقت نوجوانان امروزی بعلل مختلف، تمرکز فکری خیلی کمتری از محصلین دوران گذشته دارند. اعضای کمیته برای مطالعه و بررسی دقیق‌تر یکی از کارشناسان علوم تربیتی را مامور کردند که در کلاسهای درس حضور یافته و از حالات مختلف دانش‌آموزان در ساعات مختلف عکسبرداری نماید تا این عکسها بعداً مورد بررسی قرار گیرد. کلاسی را که این کارشناس برای عکسبرداری خود در نظر گرفت، کلاس ریاضی یکی از مدارس بود زیرا معمولاً در سردرس ریاضی دانش‌آموز باید تمرکز



اولیا برای تمرکز فکری بچه ها چه باید بکنند؟

فکری بیشتری داشته ودقت زیادتری بدرسی که توسط معلم داده میشود بکند. کارشناس با دوربین خود سر کلاس رفت ولی در آغاز کار نتوانست عکسهای مورد نظر را بگیرد زیرا دانش آموزان وقتی دوربین عکاسی را میدیدند حالت عادی و طبیعی خود را از دست داده وباصطلاح مقابل دوربین ژست می گرفتند وبدین ترتیب این کارشناس برای رسیدن بهدقو نتیجه ناچار شد مدت دو تا سه ماه مرتباً در کلاس درس ریاضی حاضر شود تا وجود دوربین عکاسی برای دانش آموزان عادی گردد و بعد اقدام بگرفتن عکس کرد و هزارها عکس از حالات مختلف دانش آموزان در طول مدت کلاس از آغاز تا انجام برداشت ، عکسهائی که هر يك گویای کامل روحیه دانش آموزان و عکس العمل آنها نسبت بدروس و حل مسائل فکری بود ، دهان باز ، چشمهای خیره ومبهوت وپیشانی چین خورده بالاخره چهره عبوس وبی حوصله در این عکسها بخوبی دیده میشد حرکات دستها نیز جالب توجه بود ومعمولاً دانش آموزان وقتی بفکر فرورفته ودرمقابل حل مسئله فکری عاجز میماندند و خسته میشدند فشار بیشتری با انگشتان بمداد یا خودکاری که در دست داشتند وارد میآوردند .

ونگته قابل توجه ودرعین حال تأسف آور اینجا بود که عده زیادی از دانش آموزان در همان دقائق اول شروع درس شروع به خمیازه کرده وعلائم خستگی وبیملاکی بدرس در آنها مشهود میشد از جمله فشار انگشتان آنها بمداد یا خودکار بیشتر میشد. عکسهائی که برداشته شده ونتایجی که از این عکسها گرفته میشد



بدست آوردن نیز اولیا را راضی واقناع نمیکند، بلکه آنها انتظار دارند که فرزندان شان با درجه ممتاز و عالی مدارک را بدست آورند تا با این مدارک بتوانند در کنکورهای دانشگاهی استخدامی و غیره موفقیت بدست آورند. مریبان نیز بهمین ترتیب انتظاراتی خارج از حدود توانائی دانش آموزان از آنها دارند. وجود این انتظارات و توقع های زیاد از اندازه است که ترس و نگرانی دانش آموزان را زیاد کرده و اثر روانی نامطلوبی در آنها میبخشد بطوریکه وقتی دانش آموز سر درس می نشیند ترس و نگرانی فوق العاده بکلی فکر او را منغشوش ساخته و تمرکز فکر و حواسش را ازین

بدقت مورد بررسی کمیته مخصوص تحقیق قرار گرفت و کمیته پس از چند جلسه مشورت علت بیعلاقگی و عدم تمرکز فکری دانش آموزان را معلول دو قسم عوامل روانی و جسمی آنها دانست.

مهمترین علل روانی این بیعلاقگی در دانش آموزان ترس و نگرانی آنها از عدم موفقیت در امتحانات و یاد گرفتن دروس است، همیشه امتحان برای دانش آموزان یک غول بزرگه بیشاخ و دم بوده است و متاسفانه در روش های جدید تربیتی نیز تغییری در این وضع داده نشده است و بلکه غول امتحانات در نظر دانش آموزان قوی هیكل تر و موخش تر از سابق شده



میرد.

در بسیاری از موارد دیگر نیز علل و موجبات جسمی مانع از درس خواندن نوجوانان شده و آنها را در سر درس زود خسته میکند از جمله این عوامل یکی نزدیک بینی چشم و دیگری سنگینی گوش است. این عوارض که بنظر جزئی می آیند و غالباً از نظر اولیا مخفی و پنهان میماند اثر بسیار نامطلوبی در وضع درس خواندن بچه ها دارند.

اما از عوامل خارجی که تمرکز فکر دانش آموزان را ازین میرد بعقیده کمیته مخصوص تحقیق از همه مهمتر تلویزیون است. برنامه های سرگرم

است. عاملی که این ترس و نگرانی را در دانش آموزان تشدید میکند انتظارات بیش از اندازه اولیا و مریبان از آنهاست امروزه بر اثر تحولاتی که در وضع زندگی اجتماعی بشر روی داده انتظارات اولیا از دانش آموزان خیلی زیادتر از سابق شده است. اولیا چون حس میکنند که فرزندان آنها برای سعادت آینده خود ناچار باید تحصیل کرده و مدارک تحصیلی داشته باشند سختگیری زیادی میکنند که حتما دانش آموزان بهر ترتیبی که شده درس بخوانند و حال آنکه در دوره ها و نسل های قبل این توقعات تا این حد وجود نداشت. امروزه تنها درس خواندن و مدارک عالی تحصیلی

معتقدند در اجتماع درس زیاد بسعادت و خوشبختی ایشان کمک نمیکند و اگر فرزندان آنها بدنیال کسب و کار بروند موفقیت بیشتری کسب میکنند و چندین بار نیز در حضور بچه‌ها عقیده خود را بر زبان آورده‌اند. البته فرزندان این اشخاص هم بکلی تحت تاثیر افکار اولیا خود واقع شده و چون درس خواندن را یک کار عبث و بیحاصل میدانند در سر کلاس تمرکز فکری ندارند.

بعقیده اعضای کمیته مخصوص تحقیق، اولیاء دانش آموزان میتوانند برای تقویت تمرکز فکری فرزندان خود از راههای مختلف بامریان همکاری کنند و این

کننده و مخصوصاً فیلمهای سریال تلویزیونی بعقیده این کمیته دشمن تمرکز فکری دانش آموزان بشمار میرود و بیشتر بچه‌ها در سر درس بجای آنکه بسخنان معلم خود گوش داده و درس را بفهمد یاد قهرمانان فیلمهای سریال میافتنند و گاهی خود را جای آن قهرمانان میگذارند و زمانی با آنها در فکر خود بمبارزه میپردازند. وظیفه مهم اولیا اینست که حتی المقدور بچه‌ها و دانش آموزان را از دیدن فیلمهای سریال تلویزیونی منع کنند و با لاقول در مواقعی که مدارس بازاست آنها را از اینکار باز دارند و فقط در تعطیلات تابستان با آنها اجازه مشاهده فیلمها را بدهند.



همکاری بوسیله تمرین هائی است که آنها میتوانند بفرزندان خود بدهند.

مثلاً وقتی با بچه‌ها بتماشای باغ وحش میروند در پایان بازدید بچه‌ها را وادار کنند که اسامی کلیه حیواناتی که در باغ وحش دیده‌اند بخاطر آورده و بگویند و یا مثلاً وقتی بچه تعریف میکنند که در کوچه یا خیابان دوست خود را دیده است از او پرسند که دوستش چه لباسی پوشیده بود، چه چیزی در دست داشت با که بود و یکرشته سؤالات دیگر که بچه‌ها را وادار به فکر کردن نموده و توجه و تمرکز فکری او را نسبت به هر چیز زیاد کند ● از مجلات آلمانی

یکی از عوامل دیگر موثر در عدم تمرکز فکری دانش آموزان طبق بررسی کمیته مخصوص تحقیق دخالت بیجا و ناروای اولیا در امور درس و انجام تکالیف مدرسه است. مثلاً دانش آموزانی دیده شده‌اند که پدر یا مادرشان برای کمک با آنها و بعنوان دلسوزی تکالیف شبانه آنها را انجام داده و مسائل فکری آنها را حل کرده‌اند این قبیل دانش آموزان بکلی اعتماد بنفس خود را از دست داده و مسئولیتی در خودشان برای فرا گرفتن دروس احساس نمیکند و در نتیجه وقتی سر کلاس مینشینند اصلاً تمرکز فکری ندارند، دسته دیگری از دانش آموزان هستند که پدر یا مادرشان